

بسم الله الرحمن الرحيم

مصر کنانه و دسائس متعدد برای پایان بخشیدن به فعالیت‌های اسلامی!

(قسمت چهارم)

(ترجمه)

در قسمت گذشته به شرح و تشخیص واقعیت داخلی مصر و زندگی مردم آن اشاره کردیم و گفتیم که مردم آن علی‌رغم همه دسائس، به اسلام محبت داشته و بدان التزام دارند. همچنین اشاره‌ای به واقعیت حاکمیت آن، وابستگی و مزدوری حکام آن و همچنین به تاراج بردن اموال و دارایی‌های شان توسط همین حکام داشتیم.

این واقعیت که در شرف انفجار است و فرزندان آزاده و غیور اسلام را وادار می‌سازد تا به جستجوی راه نجات بر اساس احکام اسلام بپردازند؛ غرب را به شدت علیه مصر و فرزندان متمرکز کرده است تا این واقعیت مانند روزهای انقلاب سال 2012م به حد انفجار نرسد. غرب به رهبری امریکا نقشه‌های را علیه مردم کنانه طراحی کرده تا آن‌ها را از وصول به یک روند صحیح و اساسی تغییر باز دارد. بنابر این، این نقشه‌ها و ابزارهای حیل‌گرانه‌ای که غرب برای محاصره کردن مردم مصر بکار برده، سد راه آن‌ها شده و مانع آزادی شان از مزدوری و بردگی تحمیل شده از سوی حکام آن گردیده و سبب شده تا از این کابوس سنگین بیرون شده نتوانند و در ذلت، فقر و حرمان بمانند، کدام‌هاست؟ آیا غرب در این نقشه‌های خود موفق خواهد شد؟!

برجسته‌ترین نقشه‌ها و ابزارهای غرب قرار ذیل اند:

1- **فرب فکری و سیاسی:** منظور ما اینست که غرب سعی دارد تا در قدم نخست مردم را با اهداف جزئی سرگرم و مشغول کند تا منجر به نجات و تغییر اساسی نشود و هر بار که از مشکلی رهایی می‌یابند، برای شان مشکل دیگری خلق می‌کند تا همچنان سرگردان و مصروف اهداف بی‌ارزش مانده و از اهداف عالی و بزرگ غافل بمانند. یکی از این ابزارها و راحل‌های پوچ غرب؛ انتخابات و رقابت بر سر پارلمان است که هیچ ربطی به حکمرانی و تصمیمات سیاسی ندارد. این عمل غرب مشابه آنچه است که بعد از انقلاب رخ داد تا عملکردهای بد، مکرر و فزاینده رژیم را از فکر مردم دور کند. متهم کردن گروه‌های اسلامی مبنی بر این‌که عامل مشکلات و بحران‌ها هستند، یکی دیگر از این نقشه‌هاست! گاهی اوقات رژیم حاکم مشکلاتی را در منطقه خلق می‌کند و گروه‌های اسلامی را بدان متهم می‌کند تا مردم را از میزان فاجعه‌های از قبیل: وابستگی، انحطاط اقتصادی، قرض‌ها و فروش اصول اقتصادی، خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی و سایر جنایات و چور و چپاول‌هایی که در کشور انجام می‌دهد، غافل و بدور دارد. ترساندن از واکنش غرب در صورت حاکم شدن اسلام نوع دیگری از گمراه‌سازی فکری است؛ بدین منوال که اگر اسلام حاکم شود، مردم با یک جنگ همه‌جانبه از سوی جهان مواجه خواهند شد که نتیجه آن جز گرسنگی و برهنگی چیزی بیش نبوده و باید که در انزوا از جهان بسر برد...

2- **تعقیب و پیگرد نهاد نظامی:** منظور از این امر، نظارت مستمر رهبران و سربازان فعال و پرنفوذ ارتش و بررسی اعطای مناصب حساس به افراد وفادار به کشور و عدم توانمندسازی ارتش تسلیحاتی در پادگان نظامی است؛ مگر تحت شرایط معین و تحت نظارت دقیق که در ضمن این تقسیمات و جزئیات به شدت کنترل و نظارت می‌شود. باید گفت که مشوق‌ها و امتیازات مالی این نهاد سبب شده تا رهبران را به مسائل مالی همیشگی وابسته و مصروف کند. اضافه بر آنچه تاکنون بیان داشتیم، یکی دیگر از پلان‌هایی که در این نهاد عملی می‌شود، تثقیف و تربیت سربازان ارتش توسط ثقافت خاصی می‌باشد تا افراد وفاداری برای سیاسیون تربیه شوند و کوکوران فرمانبرداری کنند. اما قشر اول؛ غرب آن‌ها را در کشورهای بیگانه و اجنبی توسط ثقافت‌های خاص تحت نظر نهادهای نظامی خودش و تحت نظر دانشکده‌های نظامی آنجا تربیت و تثقیف نموده است. مشت آهنین و کنترل دقیق در تمام دساتیر این نهاد حاکم بوده و هر کس که به کشور خیانت کند و از دستورات و اهداف این بدنه سیاسی سرپیچی کند، مجازات خواهد

شد. این روند توسط دولت و دستگاه‌های استخباراتی و رهبران عالی‌رتبه قشر اول به پیش می‌رود تا از تداوم وابستگی و بردگی سربازان به این نهاد و اجرای پروژه‌های استعماری که از طرف دولت به آن سپرده شده است اطمینان حاصل گردد. دومین موضوعی که بخاطر آن نهاد نظامی تحت مراقبت قرار دارد، حضور تعداد زیادی از رهبران مخلص و انبوهی از سربازان عادی است و این موضوع، رهبران تشکیلات قشر اول را به وحشت می‌اندازد؛ به خصوص که در گذشته تلاش‌های صادقانه‌ای برای حمله به مزدوران سیاسی حکومت صورت گرفته است.

3- **سیطره افراد تأثیرگذار از سیاسیون و سربازان ارشد ارتش بر مفاصل اقتصادی:** برای کسانی که امور اقتصادی مصر را دنبال می‌کنند، پوشیده نیست که مفاصل اقتصادی آن توسط افراد پرنفوذ دولتی و نزدیکان آن‌ها از رهبران و سربازان ارشد ارتش کنترل می‌شود. کاتب عبدالرحمن النجار در مقاله‌ای که در سایت ساسا پست به تاریخ 6 ژوئیه 2014م منتشر کرده بود، می‌گوید: «تخصیص و مکلف نمودن ارتش به پروژه‌های زیرساختی محلی، رفتار جدیدی از سوی مقامات مصری نیست، بلکه تجدید نقش ارتش در امور داخلی کشور است؛ مخصوصاً از زمان برکنار شدن محمد مرسی در ژوئیه سال 2013م و روی کار آمدن عبدالفتاح سیسی رئیس جمهور کنونی کشور در ژوئن 2014م است.» همچنین وی می‌گوید: «سه نهاد تخصصی اقتصادی وجود دارد که شعبه‌های آن‌ها توسط وزارت دفاع اداره می‌شود؛ وزارتی که نقش مستقیمی در پروژه‌های اقتصادی بومی ارتش ایفا می‌کنند و این شعبات ازین قرار اند: 1- پروژه‌های خدمات ملی 2- سازمان عربی صنعتی‌سازی 3- سازمان ملی تولیدات نظامی در مورد زمین‌های کشاورزی.»

در مورد زمین‌های کشاورزی، باید گفت که دولت امتیازات زیادی را به سربازان منتفذ در ارتش تقسیم کرده است و بهترین گواه بر این موضوع هزارها هکتار زمین زراعتی است که تحت ملکیت شان قرار دارد. کاتب مصطفی ابراهیم در سایت مؤسسه مطالعات مصر در 6 ژانویه 2018م گفته است: «تسلط رژیم نظامی حاکم اگر تمام جنبه‌های حیات اقتصادی مصر را در بر نداشته باشد، همین بس که بر اراضی دولتی که یکی از برجسته‌ترین بخش‌های آن است، مسلط می‌باشد و این سیطره در چند مرحله صورت گرفت و پس از انقلاب سوم جولای 2013م به اوج خود رسید. این پرونده در سطح وقایع مصر در دو دهه اخیر حکومت مبارک ظاهر گشت که ارکان و افراد رده اول نظامش؛ میلیون‌ها جریب زمین را از طریق معاملات مخدوش با فساد به تجار اعطا کردند. بعد از انقلاب، سربازان هزاران جریب را تحت شعار (للقوات المسلحه) تصاحب شدند؛ گذشته از این‌که بسیاری از اراضی دولتی را تصاحب شده بودند و علاوه بر این‌که سیسی ده‌ها جریب زمین را بر خلاف قانون مصر از اماکن مختلف مصر به شماری از حکام عرب بخشید. همه این گام‌ها، سبب نابودی داشته‌های مردم مصر شد؛ همان کسانی که طبق متون همه قوانین اساسی و بین المللی و منطقه‌ای تنها مالک این داری‌ها هستند.

4- **جنگ خشونت‌آمیز با فرزندان جنبش‌های اسلامی و جنبش‌های جهادی در سیناء و غیر آن:** این جنگ در مصر جدید نیست؛ بلکه سابقه آن به روزهای انقلاب سال 1952م برمی‌گردد که گروه‌های اسلامی تحت تعقیب قرار گرفتند و رهبران آن در حادثه المنشیة اعدام شدند. این حادثه در سال 1954م زمانی اتفاق افتاد که بعضی از رهبران اخوان المسلمین به جرم تلاش برای کشتن رئیس جمهور جمال عبدالناصر متهم شدند. از جمله کسانی که اعدام شدند: محمود عبدالطیف، یوسف طلعت، ابراهیم الطیب، هندوای دوبر، محمد فرغلی و عبدالقادر عوده بودند. سلسله اعدام‌ها بعد از آن ادامه یافت و حکم اعدام‌های جدیدی بعد از کشته‌شدن رئیس جمهور سادات اجرا شد؛ از جمله: سرباز نظامی خالد الإسلامبولی، حسین عباس، محمد عبدالسلام فرج، عبدالحمید عبدالسلام و عطا طایل حمیده بودند. این روند تعقیب و دستگیری همچنان ادامه یافت و صدها تن از آن‌ها در زندان‌های سرتاسری آن ناپدید شدند. هدف از این جنگ خشونت‌آمیز، حفاظت از رژیم مزدور و محروم کردن جنبش‌های اسلامی از حمایت مردم مصر می‌باشد و همچنین پیامی است برای کسانی که سعی دارند تا در برابر این رژیم ایستادگی کنند. ادامه دارد...

برگرفته از شماره 413 جریده الرایه

نویسنده: حمد طیب

مترجم: محمد مزمل